

در برنامه دوشنبه 17 ماه اکتوبر 2016 میلادی «داکتر یونس شو»، به جواب سؤال‌کننده یک جوان اهل تسنن که قبل از شروع برنامه به تماس شده بود اینکه با یک دختر جوان شیعه مذهب نامزد است و خانواده دختر خواهش کرده بودند که نکاح موقت صورت گیرد، صحبت کردم و وعده کردم تا درین مورد زیاد تر تحقیق کنم. من در مسایل دینی، سیاسی و اجتماعی عقاید و دید و بینش خود را دارم نه اینکه از علمای سنی و شیعه تقلید کنم. آیات قرآن مجید و ارشادات پیامبر (ص) دو مرجع قانون و استدلال است، پس من در کار خود به همین دو مرجع یعنی قرآن و حدیث تفتّح که مطابقت به قرآن، عدالت و شخصیت والای پیامبر کریم، داشته باشد، رجوع می‌کنم نه دانشمندان و علمای گذشته زیرا ما در یک جهان نو زندگی می‌کنیم و شرایط زندگی ما از دوران ابوحنیفه (رح) و امام جعفر صادق (رح) بسیار تفاوت دارد.

من در برنامه گفته بودم اینکه نزد من، که پسانتر تشریح می‌کنم، نکاح موقت نه حلال است و نه حرام و جوانان باید سنی و شیعه تصمیم گیرند و یک موضوع شخصی خودشان است. هدف من این بود که جوانان سنی هم می‌توانند صیغه کنند و یا نکنند، مربوط خودشان است، زیرا تعصب مذهبی در جهان قرن بیست و یکم گنجایش ندارد. در زمان حضرت رسول خدا شیعه و سنی نبود که ما باید هر و مرو به یک مذهب خاص تکیه کنیم. به هر صورت دو عالم بزرگ اسلام امام ابوحنیفه (رح) و امام جعفر صادق (رح) هر دو مقام شامخ دارند و چشم و چراغ راه حقیقت هستند و هر دو از اولیای کرام به شمار رفته اند. در ذکر این دو شخصیت بزرگ راه دین، در تذکره الاولیاء اثر بی همتای شیخ فرید الدین عطار نیشاپوری چنین می‌خوانیم: «آن سلطان ملت مصطفوی، آن برهان حجت نبوی، آن عالم صدیق، آن عالم تحقیق، آن میوه دل اولیاء، آن گوشه جگر انبیاء، آن ناقل علی، آن وارث نبی، آن عارف عاشق، ابو محمد جعفر صادق - رضی الله عنه» (صفحه 12) و در باره امام ابوحنیفه (رح) که لقب امام جهان را دارد چنین آمده است: «آن چراغ شرع و ملت، آن شمع دین و دولت، آن نعمان حقایق، آن عُمان جواهر معانی و دقایق، آن عارف صوفی امام جهان ابوحنیفه کوفی رحمة الله علیه» (صفحه 240). در جهان امروز بسیار مهم است تا ما یک مسلمان با اخلاق باشیم، عاری از تعصب و تنگ نظری باشیم و موقف خود را در دنیای پیشرفته منحصبت مسلمان متمدن ثابت سازیم و اگر قدرت و استعداد فکری را داریم از همه مذاهب پیروی کنیم زیرا همه مذاهب به اساس اصول قرآن و حدیث است، چرا نی تا بتوانیم حل مشکل کنیم. آزادی فکری و عقل در اسلام باعث شد تا علمای اسلام با دید و بینش مختلف عرض اندام کنند و در موارد مختلف مانند نکاح موقت استدلال خود را داشته باشند. به هر حال اگر قدرت نداریم که از همه مذاهب پیروی کنیم و کار خود را حل کنیم بهتر است به یک مذهب تکیه کنیم بدون اینکه تعصب در مقابل دیگر مذاهب داشته باشیم و همدیگر را در اثر نادانی محکوم کنیم. یکی از دوستان گرانقدر شیعه مذهب برای اینکه من را درین تحقیق یاری رسانده باشد، کتاب «آئین ما» تألیف آیه الله فقید محمد حسین آل کاشف الغطا، ترجمه و شرح از آیه الله ناصر مکارم شیرازی را برایم فرستاد که از جناب شان سپاسگزارم.

نکاح متعه که نکاح موقت یاد هم یاد می‌شود نزد اهل تسنن حرام و نزد اهل تشیع حلال است و اختلاف زیاد تر روی روایت و تحلیل حدیث است که در آینده پیشکش شما خواهم کرد.

قبل از اینکه موضوع نکاح موقت را مورد بحث قرار دهیم باید سه مطلب اساسی را در رابطه به دو مذهب یعنی شیعه و سنی خوب بدانیم. اول به خوانندگان سنی و شیعه به عرض برسانم این است که وقتی ما به تاریخ اسلام نظر می‌افکنیم یک واقعیت را در می‌یابیم و آن این است که شیعه و سنی به شکل گسترده آن بعد از شهادت امام حسین (رض) تبارز کرد نه پیش از آن. خواه مخواه اختلافات فکری در مورد خلافت که کی باید به کرسی خلافت تکیه میزد، موجود بود و اما فقه شیعه و سنی و مذهب به شکل که امروز مطرح است بعد از شهادت امام حسین (رض) عرض اندام کرد نه پیش تر از آن. مطلب دوم که از نگاه اسلام شناسی سیاسی خیلی با اهمیت است و به مطالعات ما ارتباط می‌گیرد موضوع شهادت امام حسین (رض) است و باید دلایل عمده شهادت آن زعیم بزرگوار را بدانیم. امام حسین (رض) به سه دلیل به شهادت رسید: اول که دین جد خود را که اساس آن عدالت اجتماعی بود، احیا کند زیرا بی‌عدالتی موج می‌زند مانند امروز. دوم عدالت سیاسی را که خلفای راشدین که پدرش حضرت علی (رض) هم در آنجمله بود احیا کند و نگذارد تا نظام سیاسی اسلام از مردم سالاری به

دست یک خانواده و یا یک قوم انحصار پیدا کند زیرا اشتباه سیاسی بزرگ همین بود که مسیر خلافت یعنی مردم سالاری از نگاه سیاسی به نظام خانوادگی تعلق گرفت. سوم مبارزه امام بر علیه نه تنها فساد سیاسی و اجتماعی بود بلکه به جهانیان آموخت که با یک نظام فاسد بیعت نکنید و همکاری با همچو نظام خلاف عدالت و اخلاق اسلام است. امام ابوحنیفه (رح) یکی از بزرگترین شاگردان مکتب امام حسین (رض) به شمار می‌رود زیرا با دستگاه فاسد عباسی ها همکاری نکرد و راه زندان شد و در زندان جان به حق سپرد. شهادت امام حسین (رض) به ما می آموزاند که بیعت به یک دستگاه فاسد و همکاری با یک دستگاه فاسد خلاف موازین اخلاقی و سیاسی اسلام است و ظلم تلقی می‌شود و از دید قرآن ، ظلم برابر به شرک است. اما امروز ما می‌بینیم که به خاطر زر و سیم و قدرت، شیعه و سنی با نظام های فاسد همکاری می‌کنند و جالبتر اینکه یک عده از شیعه با نظام فاسد همکاری میکنند و اما در روز عاشورا به سینه سینه خود می‌زند و نوحه میکنند. و سنی به جای اینکه در کنار برادر شیعه خود در عاشورا بر علیه ظلم ، فساد و استبداد یکجا باشد ، برای عده زیاد بی‌اهمیت است. معنی این بی‌تفاوتی در روز عاشورا یعنی بی تفاوتی در مقابل ظلم ، استبداد و فساد و بی‌تفاوتی برای کسی که در راه آزادی ، و عدالت نه تنها یک کشور بلکه امت اسلام که در آن وقت نه شیعه بود و نه سنی و به خاطر ظلم سیاسی و اجتماعی شهید شد. هی در این کوشش هستند تا ثبوت کنند که کی راست می‌گوید و کی از نگاه فقهی غلط است و این وضع به جای اینکه اتحاد مسلمین را تقویه کند روز به روز ضعیف ساخته می‌رود. امام حسین (رض) برای به وجود آوردن نفاق بین مسلمانان و به وجود آوردن دو فقه زیر عنوان سنی و شیعه شهید نشد ، بر عکس قسمیکه گفتیم برای اتحاد مسلمین در مقابل استبداد ، و مبارزه با ظلم و فساد سیاسی و اجتماعی شهید شد. سوم باید بدانیم که احادیث پیشوای اسلام یک صد و پنجاه سال بعد از رحلت آن مبارک جمع آوری شده است. نه تنها که در متون حدیث از نگاه علم تحقیق مشکلات است ، در قبولی و تطبیق آن بین شیعه و سنی هم اختلاف است. این سه مطلب فوق الذکر کار ما را برای تشریحات موضوعات فقهی آسان میسازد. جالب این است که ما ، شیعه و سنی هر سال از شهادت احمدشاه مسعود شهید و یا جشن استقلال و یاد و بود مرحوم اعلیحضرت امان الله در سر تا سر جهان تجلیل می‌کنیم و اما روز عاشورا شله زرد پخته می‌کنیم به جای اینکه شیعه و سنی و معتقد به اسلام یکجا به جای عمل قمع زنی و سینه زنی و پختن شله زرد توسط اهل تسنن بر علیه ظلم، فساد، خیانت و استبداد قومی ، بیسوادی ، زن ستیزی عدم تساوی حقوق مردمی، خرافات و پسماندگی قیام کنیم. بر عکس به نام آزادی و دموکراسی دست خود را با ظلم و فساد و استبداد بسته کردیم و به جای اتحاد در نفاق غرق هستیم و جالب اینکه وهابی ها برای اینکه شهادت را کم رنگ نشان دهند زیاد تر بالای عاشورای موسوی در تلویزیون ها صحبت می‌کنند و مردم را به روزه نفلی تشویق میکنند. زیرا وهابی در ادامه نفاق و استبداد و ظلم سردمدار همه مذاهب است و در کنار شیعه‌های متعصب و آنانیکه در راه دین غلو میکنند، شریک هستند

حالا می‌رویم بالای موضوع نکاح موقت. در بالا گفتیم که نزد اهل سنت حرام است و نزد اهل شیعه حلال. از مقام دو عالم برجسته شیعه و سنی یاد کردیم و حال چطور امکان دارد که ما از ایتنوسنتریزم مذهبی کار گیریم و یکی ازین بزرگان علم و معرفت و شرع را محکوم به غلط فهمی کنیم ؟ حال بدون جانب داری فقهی می‌پردازیم . به تشریح موضوع به اساس عدالت

وجه مشترک سنی و شیعه اعتقاد به ذات اقدس الهی ، الله یکتا، قرآن مجید و رسالت حضرت محمد (ص) است. و همچنان هر دو فقه در موارد ذیل توافق نظر دارند که اسلام دین عدالت ، دین اخلاق و دین صلح رحم است. اختلاف نظر اساساً بالای موضوعات تاریخی است که حالا دیگر حادثات خود تاریخ شده است و دوباره تاریخ نه تکرار می‌شود و نه بازی کنندگان تاریخ حیات دارند تا خود مطالب را استدلال کنند. دیگر تاریخ را تغییر داده نه می‌توانیم. ظهور دو مذهب یک واقعیت جامعه شناسی است و نه می‌توان از آن انکار کرد. امروز هر دو مذهب نه تنها تاریخ را با دید خود می‌بینند و تاریخ خود را دارد بلکه فقه خود را دارد و حتی تفسیر آیات متفاوت است. علم تاریخ از علوم انسانی است و هر کس برداشت خود را از تاریخ دارد. تفسیر هم به نفع مذهب صورت گرفته است به جای اینکه توحید ، عدالت و منطق روزگار مطرح شده باشد. اما نکته جالب که در تاریخ دین اسلام و مسلمانان اتفاق افتاد (بر خلاف توقع امام حسین (رض)) این است که وقایع تاریخی باعث به وجود آوردن دو فقه اسلامی شد که به جای اتحاد ، باعث نفاق شده است در حالیکه قرآن می‌گوید که مسلمانان با هم در دین خواهر و برادرند و قرآن صریح نفاق را محکوم میکند و می‌گوید “لا تفرقوا” . حال موضوعات را بدون جانبداری مذهبی

بررسی می‌کنیم.

استدلال تسنن: این گروه مذهبی چنین می‌گویند

نکاح در زمان حضرت رسول کریم (ص) روا بود و بعداً منع شده است. در صحیح بخاری این روایات آمده است

باب 31 سر انجام رسول خدا (صلی الله علیه و سلم) از نکاح مُتعه منع فرمودند حدیث شماره 5115 در صحیح بخاری چنین گزارش شده است: «از زُهری، از حسن بن محمد بن علی و برادرش عبدالله، از پدرشان، روایت است که علی (رضی الله عنه) به ابن عباس گفت: همانا پیامبر (صلی الله علیه و سلم) از مُتعه و گوشت خران اهلی در زمان فتح خیبر منع کرده است» در حدیث شماره 5116 متعاقب حدیث اولی میخوانیم که «از شعبه روایت است که ابوجمره گفت: از ابن عباس شنیدم که در باره مُتعه زنان از وی سؤال شد و او اجازه داد. غلام آزاد شده اش به او گفت: این در حال سختی و کمبود زنان است - یا همچو چیزی گفت - ابن عباس گفت: آری.» متعاقب این حدیث، دو حدیث که شماره های آن پیهم است یعنی 5117 و 5118 چنین گزارش میدهند «از عمرو، از حسن بن محمد از جابر بن عبدالله و سلمه بن اکوع روایت است که گفته اند: ما در لشکری بودیم، رسول خدا (صلی الله علیه و سلم) نزد ما آمد و فرمود: همانا به شما اجازه داده شده که مُتعه بکنید، پس مُتعه کنید» و در حدیث آخری در صحیح بخاری یعنی حدیث شماره 5119 میخوانیم که «از ایاس بن سلمه بن اکوع، از پدرش روایت است که رسول خدا (صلی الله علیه و سلم) فرمود: «هر مرد و زنی که (به نکاح موقت) موافقت کنند، معاشرت زناشویی میان آنها برای سه شب است، پس اگر بخواهند مدت آنرا زیاد کنند یا از یکدیگر جدا شوند» من نمیدانم که این چیزی خاص برای ما (صحابه) بود و یا برای عموم مردم

ابو عبدالله (امام بخاری) گفت: علی به روایت از پیامبر (صلی الله علیه و سلم) واضح ساخت که همانا اباحت مُتعه منسوخ شده است» این بود احادیث که در صحیح بخاری روایت شده است و حالا می‌پردازیم به تحلیل این احادیث

از احادیث بالا به اساس علم تحقیقات چندین مطلب میتواند استخراج شود. اول اینکه در حدیث اول میخوانیم که مُتعه نهی شده است، نه اینکه حرام شده باشد. از نگاه علم زبان‌شناسی عربی یک تفاوت است میان «نهی» و «حرام». در گذشته نوشتیم که حرام کردن تنها حق خداوند است. لطفاً به مضمون این محقق زیر عنوان «حرام کردن حق خداوند است» رجوع کنید. نکاح موقت توسط پیامبر در یک زمان خاص اجازه داده شده است و بعداً نهی شده است نه اینکه حرام شده باشد. این موضوع ما را به مطلب دوم می‌رساند و آن این است که «نهی» شکل موقتی دارد یعنی می‌تواند که آن نهی از میان برداشته شود. و حرام از جانب خداوند است و قطعی است و کسی نه می‌تواند حرام را حلال کند و یا حلال را حرام کند. سوم، قسمیکه در احادیث می‌بینیم متعه در زمان جنگ اجازه داده شده و آن هم برای سه شب مگر در صورتی که طرفین به ادامه آن تمایل داشته باشند. موضوع مهم که از این احادیث استنباط می‌شود و در راستای تحقیقات فوق‌العاده حائز اهمیت است ثقه بودن روایت است. در حدیث دومی یعنی 5116 راوی روایت میکند و اضافه میکند «یا همچو چیزی گفت». این سبک روایت موقوف حدیث را ضعیف میسازد یعنی که راوی متیقن نیست که چه می‌گوید و ابن عباس (رض) هم همان سخن مشکوک را آری می‌گوید. در حدیث آخری به وضاحت آمده است که «معاشرت زناشویی میان آنها [زن و مرد] سه شب است، پس اگر بخواهند مدت آنرا زیاد کنند یا از یکدیگر جدا شوند». اینجا می‌بینیم که با اینکه در متعه برای زمان جنگ بوده و حتی سه شب تعیین گردیده است اما اجازه داده شده که اگر بخواهند مدت آنرا زیاد کنند، اختیار دارند. کلمه «زیاد» درین جا انتهایی است و مقید نیست. بار دوم می‌بینیم که راوی می‌گوید [سه شب] برای ما (صحابه بود) و یا عموم مردم. قرآن کتاب مردم است و محمد (ص) پیشوای مردم. در اسلام شیعه و سنی معتقد است که در اسلام خداوند مردم را تنها به تقوی می‌شناسد نه امری دیگری. در تاریخ اسلام، نزدیکان یعنی صحابه کرام رسول خدا محمد (ص) برتری اجتماعی بر دیگران نداشتند به جز از تقوی. در غیر آن اسلام یک نظام طبقاتی می‌بود و مانند روحانیون عیسویت همه قدرت را غصب میکردند و دیگران باید از آنها اطاعت میکردند. حدیث فوق نشان میدهد که راوی نه میدانست ارشاد پیامبر (ص) برای کی‌ها بوده است و با اینکه شخص از جمله صحابه بوده و اما نه میدانست که اسلام برای مردم است نه یک طبقه خاص و بالاخره میخوانیم

که از علی (رض) روایت است که اباحت متعه منسوخ شده است. موضوع نکاح موقت در متون اهل تسنن سؤال بر انگیز است. در پاورقی احادیث صحیح بخاری در مورد نکاح متعه می‌خوانیم که «نکاح مُتعه، نکاح موقت است که برای مدتی معین عقد میشود. این‌گونه نکاح در اوایل اسلام در حالات ضروری جایز بود، سپس منع شد و بار دیگر مباح شد و سپس منع شد. نووی گفته که پیش از واقعه خيبر حلال بود، در روز خيبر حرام شد. بر تحریم آن اجماع صورت گرفت» و در ادامه این پاورقی می‌خوانیم که «گفته علی رضی الله عنه به پاسخ ابن عباس است که میگفت: لا بأس بنکاح المتعه یعنی در نکاح متعه باکی نیست». داکتر یوسف قرضاوی در کتاب حلال و حرام در اسلام می‌نویسد که از ابن عباس در باره نکاح موقت پرسیده شد و او جواب گفت که «در حال ضرورت جائز است، ولی بعداً که دید مردم از فتوای او سوءاستفاده می‌کنند و بدون توجه به ضرورت نکاح متعه را انجام میدهند از فتوای خود پشیمان شد». همه میدانند که ابن عباس از بزرگترین مفسرین قرآن مجید بوده است و او بحر از علم و معرفت بود. نه میتوان اعتبار کرد که همچو یک شخصیت فتوی دهد و بعد پشیمان شود. دین یک مسله اعتقادی، اخلاقی و وجدانی است. مردم میتوانند از هر چیز سوء استفاده کنند در صورتی که وجدان خدا پرستی نداشته باشند. برای اینکه بدانیم که آیا در جنگ خيبر متعه حرام شده باشد و به این تحقیق زیاد تر کمک کرده باشیم به دو کتاب تاریخ مشهور اسلام یعنی تاریخ طبری تألیف محمد بن جریر طبری جلد سوم (دوره هفده جلدی با کتاب دنباله و احوال و آثار) و تاریخ کامل تألیف عزالدین ابن اثیر جلد سوم (دوره هفت جلدی) مراجعه کردیم و همچو چیزی نیامده است که متعه در جنگ خيبر حرام شده باشد. پس سخن نووی در پاورقی صحیح بخاری مصداق تاریخی ندارد. همچنان در همین پاورقی آمده است که متعه در غزوه اوطاس مباح شد. درین قسمت هم اختلاف نظر است و به یقین آشکار نیست که در کدام غزوه نهي شده باشد استدلال اهل تشیع: این گروه مذهبی متعه را حلال میدانند و مراتب که در بالا ذکر کردیم دلیل می‌آورند که اهل تسنن گاهی گفته‌اند که حرام است و باز مباح شد و باز نهي شد و باز حلال شد و این موضوع را اهل تسنن پیچیده ساخته است. شیعه اعتقاد دارد که متعه در زمان پیامبر (ص) روا بود و این حضرت عمر (رض) خلیفه دوم بود که آنرا مطلقاً منع قرار داد.

زمانی که در سفر حج بودم (سال 2009) از بازار مکه معظمه یک دوره دوجلدی زندگینامه حضرت عمر (رض) را که توسط دکتور علی محمد آل صلابی تحقیق و نگارش یافته است و به زبان انگلیسی ترجمه شده است خریداری کردم و برآستی کتاب فوق‌العاده جالب است که کارروایی های این راد مرد بزرگ تاریخ اسلام در زمان خلافت او واقعاً چشم گیر است. در صفحه 540 جلد اول می‌خوانیم که همه فکر میکنند که عمر (رض) بود که متعه را منع قرارداد در حالیکه این پیامبر (ص) بود که اول متعه را منع کرده است و برای ثبوت موضوع احادیث را از صحیح مسلم نقل قول کرده است. صحیح مسلم در چهار جلد توسط جناب عبدال حمید صدیقی از عربی به انگلیسی ترجمه شده است و اما به زبان فارسی ترجمه نشده است. مشکل ترجمه جناب صدیقی درین است که متن عربی را کشیده است و تنها ترجمه انگلیسی را پیشکش خواننده کرده است که این کار محقق را دشوار میسازد زیرا باید متن عربی با متن انگلیسی یکجا میبود تا اصل متن بررسی میگردید. جای خوشبختی است که امروز ما میتوانیم یک عده مطالب را از طریق تارنما (انترنت) جستجو کنیم و اما صحیح بخاری توسط جناب عبدالعلی نور احراری در هفت جلد به فارسی، و توسط داکتر محسن خان در نه جلد به انگلیسی ترجمه شده است که هر دو ترجمه با متن عربی پیشکش خواننده شده است. می‌رویم سراغ احادیث صحیح مسلم که در کتاب زندگینامه حضرت عمر (رض) نقل قول شده است. اول: «مسلم روایت می‌کند که سلمه گفت: رسول خدا (ص) در جریان حمله به اوطاس برای سه روز متعه را اجازه داد و بعد منع فرمود». درین حدیث محل اوطاس از نگاه تاریخ دقیق نیست. دوم از «مسلم روایت است که سبیره گفت: رسول خدا (ص) برای ما اجازه متعه داد و یک مرد از بنو عامر نزد یک زن رفت که بسیار جوان و زیبا بود و پیشنهاد نکاح متعه را کرد. زن پرسان کرد تو به من چه میدهی؟ من گفتم: شال خود را. همراه من هم گفتم: شال خودش را. شال همراه من، از شال من کرده ظرفیتر بود اما من از او جوان تر بودم. وقتی که زن به سوی شال همراه من دید، خوشش آمد و اما وقتی که به من نگاه کرد، من خوشش آمدم. به من گفت که شال من و خودم برایش کافی است. من همراهی او برای سه روز بودم بعد رسول خدا (ص) گفت: هر کسی که زنان را متعه کرده است باید رخصت داده شوند» سوم: «سبیره ال جهنی روایت میکند که او با رسول خدا (ص) بود که گفت: ای مردم من به شما اجازه داده بودم که زنان را

متعہ کنید اما حالا خداوند آنرا تا روز قیامت منع کرده است. کسانی از شما که متعہ کرده‌اند باید رخصت شان کرد و چیزی را که به ایشان داده‌اید دوباره نگیرید». در روایت این حدیث هم از نگاه متن تفاوت‌ها وجود دارد. در اصل متن کلمه متعہ نیامده است و هم چنان «چیزی را که به ایشان داده‌اید نگیرید»، معلوم می‌شود که اضافه شده است و یا دو حدیث با هم پیوند داده شده است.

درین جای شک نیست که موضوع متعہ در زمان حضرت عمر (رض) بطور شدید منع ساخته شد بطوریکه جزای متعہ را سنگسار تعیین کرده بود. گل سخن درین جاست که حضرت عمر (رض) به رأی خود این ممانعت را نکرده است مگر به استناد احادیث که در دست داشته و صوابدید آن زمان را مد نظر گرفته است. مؤلف «آئین ما» که بحث مفصل در مورد نکاح متعہ دارد می‌نویسد «خلیفه دوم بعقیده خود روی مصالح خاصی که اوضاع و احوال آن محیط و آن روز ایجاب میکرد نکاح موقت را تحریم نمود و این تحریم «تحریم قانونی و عرفی بود» بود نه تحریم شرعی و دینی و لذا این جمله بطور متواتر از او نقل شده است: متعتان کانتا علی عهد رسول الله و انا احرمهما و اعاقب علیهما [یعنی] در دوران رسول خدا (ص) دو «متعہ» حلال بود و من آنها را تحریم میکنم و هرکس مخالفت کند مجازات خواهم نمود، متعہ حج «حج تمتع» و متعہ زنان. درین بخش مؤلف و عالم شیعه اعتراف عادلانه میکند که تحریم قانونی و عرفی بوده است و نظر به ایجاب زمان صورت گرفته است زیرا حضرت عمر (رض) متوجه شده بود که مردم ازین روش پیامبر (ص) سوءاستفاده میکردند. اما مدقق کتاب «آئین ما» جناب آیه الله ناصر مکارم شیرازی که مدقق تفسیر نمونه هم است در پاورقی کتاب «آئین ما» صفحه 269 بطور اصلاح آمیز و بطور یادگانی و یا شاید مغرضانه می‌نویسد «توجیه مؤلف عالیقدر نسبت بکار خلیفه دوم یک توجیه بزرگوارانه و توأم با خوش بینی زیاد و اغماض از بعضی جوانب مطلب است، ولی در اینجا یک احتمال دیگر هم هست که شاید با ظاهر حدیثی که از خلیفه دوم نقل شده سازگارتر باشد و آن اینکه طرز تفکر خلیفه در باره احکام و مقررات اسلام آنچنان که ما امروز داریم نبوده است، گویا او همه احکام را ابدی نمیدانسته، و معتقد بوده لافل قسمتی از احکام و مقررات اسلامی تابع وضع زمان و اقتضای محیط است که میتوان آنرا عوض نمود، لذا میگوید: در زمان پیغمبر خدا (ص) حکم چنین بوده و من آنرا تغییر داده و چنان میگویم: بدیهی است این طرز تفکر با ابدیت احکام و مقررات اسلام سازگار نیست، و موضوع «وحی» را در ردیف افکار معمولی قرار میدهد، و عملاً پیغمبر (ص) و احکام و دستورهای او را محدود بزمان و مکان و شرائط خاصی میکند. آیا هیچیک از دانشمندان امروز اسلام میتوانند با این طرز تفکر موافقت نمایند؟!» اول به جواب جناب آیه الله ناصر مکارم شیرازی مینگارم که شما مدقق تفسیر نمونه هستید و فراموش کردید که در شروع تفسیر نمونه از ابن عباس (رض) نقل قول شده است که «القرآن یفسر الزمان» یعنی قرآن نظر به زمان که زندگی می‌کنیم تفسیر می‌شود. و شما علمای گرامی اهل تشیع ابن عباس (رض) را «حبر الامه» لقب داده اید. پس چطور که درین مورد که قرآن نظر به زمان تفسیر می‌شود، او را انکار می‌کنید؟ دوم مطلب که جناب شان منحصبت یک عالم دین انکار کرده‌اند و اهل تسنن هم نه میخواهند اعتراف کنند و انکار میکنند این است که سنت رسول الله (ص) مقید به زمان و مکان است و ابدی نیست. «سنت» یعنی روش زندگی رسول خدا (ص) با شتر سفر میکرد و این یک نوع سنت بود و آیا حالا شما با شتر سفر میکنید؟ رسول خدا (ص) دندان خود را مسواک میکرد. آیا شما از مسواک که سنت است استفاده میکنید و یا کریم (خمیر دندان)؟ سوم مطلب که جناب شان که آیه الله هم هستند فراموش کردند که خلفای راشدین همه شان سنت‌های خود را داشتند به شمول حضرت علی (رض) و همه نظر به ایجاب زمان و مکان شان و تصامیم خود شان بوده است. طور مثال این سنت علی (رض) است که در مهمانی‌ها اول به زنان و کودکان غذا تعارف شود. اما حدیث یعنی گفتار پیامبر (ص) مقید به زمان و مکان نیست و ابدی است. طور مثال «آموختن علم برای مرد و زن و فرض است». این حدیث تا جهان باقی است پایدار است. دوم مطلب که درین بحث قابل یاد آوری است این است که حدیث باید به نص قرآن تطابق داده باشد و اما سنت اگر به نص قرآن تطابق ندارد درست است زیرا قرآن برای ابد نازل شده است و یک هدایت جاودانی است و برای هر عصر تفسیر می‌شود و اما سنت برای هر عصر نیست و روش زندگی تغییر میکند. اینکه اهل تشیع حضرت عمر (رض) را ملامت میکنند حق به جانب نیستند زیرا او نظر به ایجابات عصر خود عمل میکرد و در عدالت بی همتا بود و از همین سبب لقب «فاروق» برایش داده اند مرحوم حجت الاسلام سید محمد انور واتق واعظ زاده که افتخار دوستی شانرا در شمال کلیفورنیا خداوند به من

نصیب کرد و از علمای روشن ضمیر اهل تشیع بود و جزئی ترین تعصب مذهبی نداشت، و در دو سه محفل یکجا سخنرانی داشتیم؛ روزی از مرحومی در مورد نکاح متعه پرسیدم و مرحومی اظهار داشت که در شرایط امروز جهان جنبه عملی ندارد. من این سخن آن مرحوم را در کتاب اخیر خود زیر عنوان «تساوی حقوق مدنی در اسلام» نقل قول کرده ام. به اساس اصول علم تحقیق از یک عده بانوان شیعه که مذهب خود را دوست دارند و معتقد به مناسک مذهبی شان هستند هم نظر خواهی کرده ام و آنها را که من به تماس شدم مخالف متعه هستند و اظهار کردند که یک نوع استفاده جویی از زن است. به هر حال اهل تشیع متعه را برای جلوگیری از فساد اخلاقی و عمل زنا راه حل میدانند و در کتاب «آئین ما» چنین می نگارند: «آیا از روزی که انسان خود را شناخته مسئله مسافرت و دوری از وطن یکی از ضروریات زندگی او نبوده است؟ همان مسافرتی که گاهی به منظور تجارت، و زمانی برای تحصیل علم و گاهی برای مقاصد دفاعی و نظامی و یا گردش و تفریح و مانند آن انجام میگیرد، آیا ضرورت اینگونه سفرها قابل انکار است؟» سؤال من از مؤلف گرانقدر «آئین ما» این است که شما بسیار بجا فرمودید و اما مرد که سفر میکند و همسرش در خانه تنها می باشد و شما به مرد اجازه میدید که در سفر نکاح موقت کند، پس زن که در خانه تنها مانده است آیا اجازه دارد که او هم در غیاب شوهرش یک مرد را موقتاً نکاح کند؟ مگر قرآن نگفته است که مرد و زن را از «نفس واحد» آفریدیم. مگر زن نفس ندارد؟ تنها مردان نفس دارند؟

این جاست که متعه به عدالت خداوندی سازگار نیست و یک راه حل یکطرفه است. متعه در زمان رسول کریم (ص) نظر به ضرورت روا بوده است و هم نهی شده است و اما حرام گفته نشده است. کلمه حرام توسط علما بعداً به کار برده شده است که این یک اشتباه است. حرام کردن تنها حق خداوند است. در بین صحابه دانستیم که یگانه شخص که مخالفت به متعه نداشت حضرت ابن عباس (رض) بود و تا زمان حضرت ابوبکر صدیق (رض) متعه دوام یافت. سؤال این است که چرا حضرت ابوبکر صدیق (رض) آنرا منع نکرد؟ جواب اول این است که او فکر نمیکرده است که پیامبر (ص) اجازه داده است پس خاموش بود و جواب دوم از نگاه مسلک جامعه شناسی همین می تواند بوده باشد که در زمان حضرت عمر (رض) مردم زیاد تر آرام شده بودند، غنایم جنگی به مدینه مخصوصاً از خراسان سرازیر شده بود و مردم از شکم سیری آهسته آهسته به فساد اخلاقی رو آورده بودند چنانچه خود حضرت عمر (رض) در کوچه ها شبانه پاسبانی میکرد تا مردم عمل خلاف شرع و اخلاق انجام ندهند. حضرت عمر (رض) چون دید مردم ازین عمل سوء استفاده میکنند آنرا به استناد احادیث که میدانست ملغی قرار داد

شیعه و سنی با هم در دین خواهر و برادرند. و ما در قرن بیست و یکم نباید تعصب و تنگ نظری مذهبی داشته باشیم. هر دو امام یعنی ابو حنیفه (رح) و امام جعفر صادق (رح) چشم و چراغ دین بودند پس نا روا است که ما یکی را بر دیگری ترجیح دهیم. من به همه جوانان سنی و شیعه می گویم که موضوع متعه موضوع شیعه و سنی نبوده و نیست زیرا این موضوعات قبل از به میان آمدن و ظهور مذاهب وجود داشته و در همان زمان به طرفداری و ضدیت آن صحبت ها صورت گرفته است. نباید چنین تصور کرد که نکاح موقت و یا متعه تنها در شیعه باید باشد زیرا شیعه و سنی در زمان پیامبر (ص) و خلفای راشدین وجود نداشت. دین در نظام دموکراسی یک موضوع شخصی است، ملی نیست. دین و مذهب وقتی در عصر حاضر شکل ملی می گیرد که در مسایل، اجماع امت در تسنن و ابلاغ امام در تشیع موضوع را قانونی بسازد که خلاف رفتاری از آن جرم شمرده شود. در آمریکا و اروپا و کانادا و استرالیا یعنی نظام های دموکراسی دین و مذهب مطلق شخصی است زیرا درین کشورها ما در دارالحرب هستیم نه اجماع امت است و نه امامت و شما خود تصمیم بگیرید که نکاح موقت می کنید و یا نه می کنید. نکاح موقت حرام نیست زیرا ما در متون تسنن کلمه حرام را پیدا کرده نه می توانیم و «نهی» حرام نیست. و نکاح موقت حلال نیست زیرا عدالت بین زن و مرد وقتی که مرد متأهل در سفر می رود مراعات نه میشود. اسلام دین عدالت است برای مرد و زن و زن و مرد از نگاه مدنی حقوق مساوی دارند. در قرن بیست و یکم هیچ مذهبی بر مذهبی برتری ندارد و هیچ مذهب در اکثریت نیست زیرا از نگاه جامعه شناسی اسلامی ما همه معتقد به الله یگانه، قرآن مجید و رسول خدا (ص) هستیم و آنان که اکثریت و اقلیت را در دین دامن می زنند از منافقین هستند

اکتوبر 25، 2016

